

## زنان و زبان:

### بازنمایی هویت جنسیتی در کتاب‌های زبان‌های

### فارسی، عربی و انگلیسی مدارس ایران

دکتر یعقوب فروتن

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران - بابلسر

#### چکیده

این مقاله با رویکردی اجتماعی در صدد پاسخگویی به این پرسش است که «چه مناسباتی بین زبان و جنسیت وجود دارد؟» زبان، به عنوان یک ابزار رسانه‌ای برای شکل‌گیری، تثبیت و تداوم هویت و منزلت جنسیتی افراد در جامعه تلقی می‌شود (ترنر-بوکر، ۱۹۹۶). شیوه پژوهش در این مقاله مبتنی بر روش تحلیل محتوا بود که بر اساس آن، چگونگی بازنمایی هویت جنسیتی در کتاب‌های درسی زبان فارسی، زبان عربی و زبان انگلیسی مدارس ایران مطالعه شد. نتایج پژوهش نشان داد که «پدیده تقدم مرد» (لی و کولینز، ۲۰۰۸) به اشکال متعدد در این کتاب‌ها وجود دارد. مطابق نتایج پژوهش، اگرچه این برتری جنسیتی به درجات گوناگونی در این کتاب‌ها مشاهده می‌شود، اما الگوها و «کدهای جنسیتی» (تایلور، ۲۰۰۳) کمابیش یکسان و مشابهی در این کتاب‌های درسی زبان‌های مختلف انتقال و انعکاس یافته است که به خوبی نشان‌دهنده نقش به مراتب تعیین‌کننده‌تر محیط اجتماعی و فضای فرهنگی است. به علاوه، نتایج پژوهش نشان داد که مراحل متعدد آموزش زبان نیز نقش بسیار مؤثری در نحوه بازنمایی الگوهای جنسیتی ایفا می‌کنند.

#### واژگان کلیدی

جنسیت، زبان، زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی در کتاب‌های درسی، هویت و نقش‌های جنسیتی

## مقدمه

یکی از موضوع‌های اساسی در حوزه مطالعات زنان، بررسی مناسبت‌های بین زبان و جنسیت است که پژوهش حاضر نیز اساساً در همین قلمرو جای می‌گیرد. با این همه، این موضوع به طور ملاحظه‌پذیری در پژوهش‌های زبان‌شناسی مطالعه شده است که لابوو<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) و لاکوف<sup>۲</sup> (۱۹۷۵) از پیشقدمان آن به شمار می‌آیند. به ویژه، لاکوف در کتاب مشهور خود «زبان و جایگاه زنان»<sup>۳</sup>، با ابداع اصطلاح «زبان زنان»، مناسبت‌های بین زبان و جنسیت را بررسی کرد.<sup>۴</sup> در مجموع، ایده اصلی او این بود که یک همبستگی مستقیم بین نابرابری در زبان و نابرابری در منزلت اجتماعی مردان و زنان وجود دارد، زیرا او بر این باور بود که زبان اساساً دربردارنده و مجسم‌کننده نابرابری جنسیتی است (به نقل از دنیسون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶). بعدها، پژوهشگران دیگر از جمله استراند<sup>۶</sup> (۱۹۹۹)، کلوپر<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۵) با انجام دادن پژوهش‌های تجربی، استدلال کردند که نمی‌توان به آسانی و به روشنی، تفاوت‌های جنسیتی در زبان را تعیین کرد، زیرا اینکه مردان و زنان چگونه از زبان استفاده می‌کنند، تحت تأثیر عوامل متعددی (مانند سن، قومیت، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، محیط محلی و جهانی، و قدرت) است که باید نقش همه این عوامل در نظر گرفته شود. به عنوان مثال، نتایج مطالعات اخیر از سوی پاولز<sup>۸</sup> (۲۰۰۱ و ۲۰۰۳) و هولمز و مردیث<sup>۹</sup> (۲۰۱۰) در

1. Labov

2. Lakoff

3. Language and Women's Place (1975)

۴. به عنوان مثال، لاکوف به "سؤال‌های کوتاه" (tag questions) در زبان انگلیسی اشاره می‌کند (مانند: این خانه، چشم انداز زیبایی دارد. «اینطور نیست؟») که به عقیده او، معمولاً مبین فقدان قطعیت و تعهد نداشتن گوینده نسبت به آن چیزی است که به زبان می‌آورد. به نظر او، معمولاً زنان بیش از مردان از این سؤال‌های کوتاه استفاده می‌کنند زیرا استدلال می‌کرد که زنان ضعیف‌تر هستند و بالتبع، کمتر تمایل دارند که جملات کامل و قطعی را بر زبان آورند. با این همه، منتقدان نظریه لاکوف اثبات کردند که چنین ایده‌هایی همواره و الزاماً با واقعیات داده‌های تجربی مطابقت ندارد (به نقل از: رایث، ۲۰۰۲).

5. Dennison

6. Strand

7. Clopper

8. Pauwels

9. Holmes &amp; Meredith



کشورهای کانادا، استرالیا، نیوزیلند و ایالات متحده نشان داده است که در این کشورها، زنان به ویژه زنان جوان و دارای تحصیلات دانشگاهی ترجیح می‌دهند که به جای عناوین Mrs یا Miss، بیشتر از عنوان Ms استفاده کنند تا از این طریق از فاش کردن وضعیت تأهل (یعنی مجرد یا متأهل بودن) خود اجتناب کنند. در حالیکه، در برخی محیط‌ها و شرایط فرهنگی اجتماعی دیگر ممکن است زنان ترجیح دهند که متأهل بودن خود را علنی کنند تا از این طریق منزلت و امنیت خود را ارتقاء دهند. در هر حال، اگرچه پژوهش حاضر نیز مناسبت‌های بین زبان و جنسیت را مطالعه کرده است، اما این مطالعه نه در چارچوب تخصصی زبان شناختی محض، بلکه عمدتاً با تکیه بر رویکردی اجتماعی و بر کتاب‌های درسی مدارس انجام شده است.

مطابق مدل تئوریک «ترنر-بوکر»<sup>۱</sup> (۱۹۹۶)، از زبان اغلب به عنوان یک ابزار رسانه‌ای استفاده می‌شود تا به کمک آن هویت و منزلت جنسیتی افراد در جامعه تثبیت و تداوم یابد. در همین راستا و با توجه به نقش تعیین کننده نظام آموزش رسمی مدرسه‌ای و کلیدی ترین ابزار آن، یعنی کتاب‌های درسی، در فرآیند جامعه‌پذیری، هدف اصلی این پژوهش این است تا مهمترین الگوهای بازنمایی هویت و نقش‌های جنسیتی را در کتاب‌های درسی زبان فارسی، زبان عربی و زبان انگلیسی مطالعه کند.

### مروری بر پژوهش‌های پیشین

به طور کلی، اگرچه در خصوص چگونگی بازنمایی هویت و نقش‌های جنسیتی در متون درسی، مطالعات و پژوهش‌های متعددی در ایران و دیگر نقاط جهان انجام شده است (رجوع کنید به فروتن ۱۳۸۹)، با این همه، بسیار محدود است پژوهش‌هایی که به طور خاص بر مجموعه‌ای از کتاب‌های درسی یک یا چند زبان معین تمرکز کند یا به مطالعه تطبیقی کتاب‌های درسی به زبان‌های مختلف اقدام کند. به عنوان مثال، نتایج پژوهش‌های یعقوبی (۱۳۷۶) و افشانی و همکاران (۱۳۸۸) درباره کتاب‌های فارسی دوره دبستان نشان داده است که در این کتاب‌ها، زنان بیشتر در نقش‌های کودکی و نوجوانی و مردان عمدتاً در نقش‌های بزرگسالی نشان داده شده‌اند و خویشاوندان مذکر بیش از خویشاوندان مؤنث در این کتاب‌ها

منعکس شده‌اند. مطابق نتایج پژوهش فروتن (۱۳۸۹)، در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، اسامی و تصاویر زنان به مراتب کمتر از مردان است، زنان اغلب در انجام دادن کارهای داخل خانه و کمتر در اشتغال خارج از خانه به تصویر کشیده شده‌اند. به علاوه، نتایج یک پژوهشی راجع به موضوع‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی زبان انگلیسی در هنگ کنگ (لی و کولینز ۲۰۰۸) نشان می‌دهد که در این کتاب‌ها از مجموع دفعاتی که کلمات مذکر و مؤنث در کنار همدیگر قرار گرفته‌اند، در ۹۴ درصد موارد، ابتدا کلمه مذکر و سپس کلمه مؤنث ذکر شده است. با این همه، آن‌ها تأکید می‌کنند که پیشرفت‌های جالب توجهی در سال‌های اخیر در این کتاب‌ها به منظور تعدیل «پدیده تقدم مرد» (یا پدیده «اول، مرد»)<sup>۱</sup> انجام شده است به طوری که زنان در این کتاب‌ها به مراتب بیش از گذشته حضور دارند و متون درسی بیش از گذشته به طور بالنسبه مساوی از هر دو جنس مرد و زن یاد می‌کنند. این الگو در ایران نیز کمابیش مشاهده شده است. به عنوان مثال، افشانی و همکاران (۱۳۸۸) با مقایسه نتایج پژوهش خود در کتاب‌های فارسی دوره دبستان با نتایج پژوهش‌های هیگینس و شعارغفاری (۱۹۹۱)، چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که انتساب نقش خانه داری به زنان کاهش یافته و ترسیم زنان در نقش‌های حرفه‌ای و تخصصی افزایش پیدا کرده است. نتایج پژوهش‌های هلینگر<sup>۲</sup> (۱۹۸۰) بر کتاب‌های زبان انگلیسی در مدارس آلمان و مطالعات پورکا<sup>۳</sup> (۱۹۸۴) در ایالات متحده بر کتاب‌های انگلیسی ویژه دانش آموزانی که انگلیسی را به عنوان زبان دوم فرا می‌گیرند (عمدتاً گروه‌های مهاجران)، نشان داده است که زنان هم در تصاویر هم در متن این کتاب‌های درسی به مراتب کمتر از مردان حضور دارند. نتایج یک پژوهش دیگر نیز بر کتاب‌های درسی زبان انگلیسی در کشور استرالیا نشان داد که اگرچه حساسیت بسیار زیادی وجود دارد تا مطالب این کتاب‌ها به دور از سوگیری جنسیتی باشند، ولی این کتاب‌ها هنوز از وضعیت ایده آل بی طرفی جنسیتی فاصله دارند (لی و کولینز، ۲۰۰۹).

- 
1. The male-first phenomenon
  2. Hellinger
  3. Porreca



## مبانی روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش: همچنان که برگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) و تایلور (۲۰۰۳) نیز خاطر نشان ساخته‌اند، روش متداول پژوهش برای تجزیه و تحلیل کمی منابع و داده‌های کیفی، به ویژه منابع مکتوب و تصویری (مثل کتاب‌های درسی)، روش تحلیل محتوی<sup>۲</sup> است که در پژوهش حاضر نیز از آن استفاده شد.

جامعه آماری و نمونه پژوهش: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کتاب‌های فارسی، عربی و انگلیسی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان است که در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ در مدارس ایران تدریس می‌شدند. این جامعه آماری مجموعاً مشتمل بر ۳۵ جلد کتاب درسی است. با توجه به اینکه، در این پژوهش کلیه این کتاب‌های درسی مطالعه می‌شوند. بنابراین، حجم جامعه آماری (N) و نمونه پژوهش (n) یکسان است. به هر حال، در این پژوهش، این کتاب‌ها به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند که در این پژوهش از آن‌ها تحت عنوان «کتاب‌های زبان فارسی»، «کتاب‌های زبان عربی» و «کتاب‌های زبان انگلیسی» نام برده می‌شود. گروه اول مشتمل بر ۲۱ جلد «کتاب‌های زبان فارسی» (شامل ۱۰ جلد کتاب فارسی در دوره ابتدایی، ۳ جلد کتاب فارسی در دوره راهنمایی، ۸ جلد کتاب فارسی در دوره دبیرستان<sup>۳</sup>)، گروه دوم مشتمل بر ۸ جلد «کتاب‌های زبان عربی» (شامل ۳ جلد کتاب عربی در دوره راهنمایی، ۵ جلد کتاب عربی در دوره دبیرستان<sup>۴</sup>)، و گروه سوم مشتمل بر ۶ جلد «کتاب‌های زبان انگلیسی» (شامل ۳ جلد کتاب زبان انگلیسی در دوره راهنمایی و ۳ جلد

### 1. Berg

### 2. Content analysis technique

۳. «کتاب‌های زبان فارسی» در دوره دبیرستان، مشتمل بر ۲ جلد کتاب زبان فارسی سال‌های اول و دوم، ۲ جلد کتاب ادبیات فارسی سال‌های اول و دوم، ۱ جلد کتاب زبان فارسی (ویژه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی) در سال سوم، ۱ جلد کتاب زبان فارسی (ویژه سایر رشته‌ها) در سال سوم، ۱ جلد کتاب ادبیات فارسی (ویژه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی) در سال سوم، و ۱ جلد کتاب ادبیات فارسی (ویژه سایر رشته‌ها) در سال سوم است.

۴. «کتاب‌های زبان عربی» در دوره دبیرستان، شامل ۱ جلد کتاب زبان عربی در سال اول، ۱ جلد کتاب زبان عربی (ویژه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی) در سال دوم، ۱ جلد کتاب زبان عربی (ویژه سایر رشته‌ها) در سال دوم، ۱ جلد کتاب زبان عربی (ویژه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی) در سال سوم، ۱ جلد کتاب زبان عربی (ویژه سایر رشته‌ها) در سال سوم است.

کتاب انگلیسی در دوره دبیرستان) است.

اجزاء و واحدهای مورد بررسی: در این پژوهش، مهمترین واحدهای مورد بررسی و اجزاء هر یک از این واحدها به شرح زیر بودند: واحد عنوان (کتاب‌های درسی زبان فارسی، زبان عربی و زبان انگلیسی در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸)، واحد بررسی (واحد عنوان برحسب هر یک از این کتاب‌های درسی به تفکیک دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان)، واحد متن (هر یک از دروس مطرح شده در یک واحد مورد بررسی، مثلاً درس «چشمان مادر بزرگ» در کتاب فارسی دوم راهنمایی)، واحد شمارش (تعداد اسامی و عکس‌ها در یک واحد متن)، واحد تحلیل (جنسیت، مشتمل بر مذکر و مؤنث بودن اسامی و شخصیت‌ها)، واحد ثبت (عناصر داخل یک متن شامل کلمه‌ها و عکس‌ها).

### یافته‌های پژوهش

در این بخش، مهمترین نتایج و یافته‌های این پژوهش ارائه شده و در پایان نیز، این نتایج بررسی شده است. این نتایج و یافته‌های پژوهش در محورهای اصلی مشتمل بر الگوهای جنسیتی مرتبط با اسامی و تصاویر افراد، کلمه‌ها، واژه‌ها و ضمیرهای جنسیتی در زیر ارائه می‌شوند.

#### ۱. ویژگی‌های جنسیتی تصاویر کتاب‌ها

اولین نکته‌ای که در این پژوهش به آن توجه شد، توزیع و ترکیب تصاویر افراد در این کتاب‌ها بر حسب جنس بود. مطابق نتایج این پژوهش (جدول ۱)، تفاوت‌های جنسیتی بارزی در زمینه تصاویر افراد در تمامی کتاب‌های زبان فارسی، زبان انگلیسی و زبان عربی وجود دارد. در مجموع، اکثریت چشمگیر تصاویر در این کتاب‌ها، فقط مردان را نشان می‌دهد (۶۷ درصد). در مقایسه، این تفاوت جنسیتی در کتاب‌های زبان فارسی بارزتر است به طوری که ۷۳ درصد تصاویر این کتاب‌ها فقط به مردان اختصاص یافته است. این نسبت در کتاب‌های زبان انگلیسی و زبان عربی تا حدودی کمتر است (حدود ۶۰ درصد). علاوه بر این، زنان در کتاب‌های زبان انگلیسی، به طور چشمگیری بیش از کتاب‌های زبان فارسی و زبان عربی به تصویر کشیده شده‌اند (به ترتیب، ۲۸، ۱۱، ۲۱ درصد). به نظر می‌رسد که این تفاوت‌ها تا حدودی ارتباط تنگاتنگی با جمع فراوانی‌های مربوط به تعداد کل عکس‌ها در این کتاب‌ها



دارد. بدین معنا که هرچه تعداد کل عکس‌ها بیشتر باشد، پتانسیل به مراتب بیشتری نیز برای بازتاب دادن شکاف جنسیتی (غلبه تصاویر مردان بر تصاویر زنان) فراهم می‌آید. تعداد کل تصاویر افراد در کتاب‌های زبان فارسی به طور چشمگیری بیشتر از تعداد کل تصاویر افراد در کتاب‌های زبان عربی و زبان انگلیسی است (به ترتیب، ۱۳۳۳، ۸۲۸ و ۶۰۷ مورد).

علاوه بر این، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به موازات افزایش دوره تحصیلی، تفاوت جنسیتی مذکور (یعنی، فزونی تصاویر مردان بر تصاویر زنان) نیز شدت گرفته و به طور چشمگیری در کتاب‌های زبان به تصویر کشیده می‌شود. به عنوان مثال، در کتاب‌های زبان فارسی، در حدود ۱۲ درصد تصاویر در دوره ابتدایی و ۱۰ درصد تصاویر در دوره راهنمایی، زنان را نشان می‌دهد؛ این نسبت در این کتاب‌ها در دوره دبیرستان کاهش ملاحظه‌پذیری داشته و به ۱ درصد تنزل می‌یابد. اگرچه این الگو به طور بسیار چشمگیری در کتاب‌های زبان فارسی مشاهده می‌شود، اما در کتاب‌های زبان انگلیسی و زبان عربی نیز این الگو مصداق دارد. به عنوان مثال، در حدود ۵۷ درصد تصاویر در هر یک از کتاب‌های دوره راهنمایی زبان انگلیسی و زبان عربی، فقط مردان را نشان می‌دهد، اما این نسبت در همین کتاب‌ها در دوره دبیرستان به ۶۵ درصد افزایش می‌یابد. به علاوه، شکاف جنسیتی در تصاویر ترکیبی کتاب‌های زبان فارسی، زبان انگلیسی و زبان عربی نیز حاکم است. مطابق نتایج این پژوهش، در حدود نیمی از تصاویر ترکیبی این کتاب‌ها مواردی را شامل می‌شود که در آن‌ها تعداد مرد و زن مساوی و یکسان است، اما در نیمه دوم آن تفاوت جنسیتی کاملاً نمایان است. در واقع، نسبت آن دسته از تصاویر ترکیبی که در آن‌ها تعداد مردان بیشتری وجود دارد، حداقل دوبرابر آن دسته از تصاویر ترکیبی است که در آن‌ها تعداد زنان بیشتری ملاحظه می‌شود. این الگو کمابیش در کتاب‌های زبان فارسی، زبان انگلیسی و زبان عربی کلیه دوره‌های تحصیلی مشاهده می‌شود. تنها استثناء ملاحظه‌پذیر در این زمینه، کتاب‌های زبان عربی دبیرستان است که در آن‌ها، این شکاف جنسیتی به طور خفیف‌تر و ملایم‌تری انعکاس یافته است (جدول ۱).

جدول ۱: توزیع نسبی تصاویر بر حسب جنسیت و به تفکیک کتاب‌های زبان و دوره‌های تحصیلی

کتاب‌های درسی	بر حسب جنس			عکس‌های ترکیبی			جمع فراوانی
	کل	فقط عکس مرد	فقط عکس زن	کل ترکیبی	تعداد مرد و زن	تعداد مرد بیشتر	
زبان فارسی	۱۰۰/۰	۷۲/۸	۱۱/۰	۱۶/۲	۵۱/۲	۳۵/۸	۱۳۳۳
دوره ابتدایی	۱۰۰/۰	۷۱/۲	۱۱/۸	۱۷/۰	۵۲/۳	۳۵/۲	۱۱۷۴
دوره راهنمایی	۱۰۰/۰	۷۸/۰	۹/۵	۱۲/۵	۴۴/۵	۳۳/۳	۷۳
دوره دبیرستان	۱۰۰/۰	۹۰/۶	۱/۲	۸/۲	۲۸/۵	۵۷/۲	۸۶
زبان عربی	۱۰۰/۰	۶۲/۰	۲۱/۱	۱۶/۹	۵۷/۱	۲۴/۳	۸۲۸
دوره راهنمایی	۱۰۰/۰	۵۸/۷	۲۵/۳	۱۶/۰	۶۶/۶	۲۲/۳	۳۹۵
دوره دبیرستان	۱۰۰/۰	۶۴/۸	۱۷/۲	۱۸/۰	۴۹/۳	۲۶/۰	۴۳۳
زبان انگلیسی	۱۰۰/۰	۵۹/۶	۲۸/۲	۱۲/۲	۵۴/۰	۳۲/۵	۶۰۷
دوره راهنمایی	۱۰۰/۰	۵۶/۵	۳۱/۴	۱۲/۱	۴۶/۸	۳۸/۲	۳۹۱
دوره دبیرستان	۱۰۰/۰	۶۵/۲	۲۲/۳	۱۲/۵	۶۶/۶	۲۲/۲	۲۱۶
جمع کل	۱۰۰/۰	۶۶/۷	۱۷/۷	۱۵/۶	۵۳/۶	۳۱/۵	۲۷۶۸

## ۲. بازنمایی اسامی افراد بر حسب جنسیت

به طور کلی، نتایج این پژوهش (جدول ۲) نشان می‌دهد که در کلیه کتاب‌های زبان فارسی، زبان انگلیسی و زبان عربی، اسامی مردان به طور چشمگیری بیشتر از اسامی زنان استفاده و تکرار شده است. در عین حال، این تفاوت جنسیتی در این کتاب‌ها به درجات یکسانی انعکاس نیافته است. در واقع، کمترین میزان این تفاوت جنسیتی در کتاب‌های زبان انگلیسی مشاهده می‌شود. در مقایسه با کتاب‌های زبان فارسی و زبان عربی، اسامی افراد در کتاب‌های زبان انگلیسی بالنسبه به طور متعادل‌تری بین دو جنس مرد و زن توزیع شده است به طوری که حدود یک چهارم اسامی افراد در این کتاب‌ها، اسامی زنان است. از سوی دیگر، بیشترین میزان این تفاوت جنسیتی در کتاب‌های زبان فارسی وجود دارد به طوری که تنها ۱۰ درصد اسامی افراد در این کتاب‌ها به زنان اختصاص یافته است. این نسبت در کتاب‌های زبان عربی، ۱۸ درصد است. به نظر می‌رسد که این شکاف جنسیتی چشمگیرتر در کتاب‌های زبان





فارسی ناشی از حجم بسیار زیاد تعداد کل اسامی مردان و زنان است که در این کتاب‌ها استفاده و تکرار شده است (یعنی، ۴۳ ۵۰ بار). در واقع، این تعداد کل اسامی افراد در کتاب‌های زبان فارسی، بیش از ۴ برابر تعداد کل اسامی مردان و زنان است که مجموعاً در کتاب‌های زبان انگلیسی و زبان عربی استفاده و تکرار شده است (یعنی، ۱۱۳۸ بار). در نتیجه، کتاب‌های زبان فارسی از پتانسیل به مراتب بیشتری نیز برای بازنمایی شکاف جنسیتی فوق‌الذکر برخوردار هستند. به علاوه، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین این شکاف جنسیتی و دوره‌های تحصیلی، ارتباط معناداری وجود دارد. بدین معنا که، همزمان با بالا رفتن دوره تحصیلی، این شکاف جنسیتی نیز به طور بارزتری نمایان و منعکس می‌شود. این روند صعودی شکاف جنسیتی، در کلیه کتاب‌های زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی به طور چشمگیری وجود دارد. بدین ترتیب، در هر یک از این کتاب‌ها در دوره دبیرستان، نسبت اسامی مردان به بالاترین حد و نسبت اسامی زنان به پایین‌ترین میزان می‌رسد که به افزایش هرچه بیشتر شکاف جنسیتی در این زمینه نیز منجر می‌شود. به عنوان مثال، در کتاب‌های زبان فارسی، نسبت اسامی زنان از حدود ۲۵ درصد در دوره ابتدایی به ۱۴ درصد در دوره راهنمایی و نهایتاً به ۸ درصد در دوره دبیرستان تنزل می‌یابد. این روند نزولی در کتاب‌های زبان انگلیسی و زبان عربی چشمگیرتر است بدین دلیل که در حدود یک سوم اسامی افراد در این کتاب‌ها در دوره راهنمایی، اسامی زنان است، اما این نسبت به کمتر از ۱۸ درصد در دوره دبیرستان کاهش می‌یابد.

### ۳. ضمیرهای مذکر / مؤنث و بازنمایی تفاوت‌های جنسیتی

در این پژوهش به منظور شناخت چگونگی بازنمایی موضوع‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی زبان انگلیسی و زبان عربی، میزان استفاده و تکرار ضمایر مرتبط با هر یک از دو جنس مذکر و ضمایر مؤنث<sup>۱</sup> نیز مطالعه شده است. نتایج این بخش از پژوهش نیز در جدول ۲ نشان داده شده است. مطابق این نتایج، می‌توان به چند نکته اصلی اشاره کرد. اول آنکه، ضمایر مذکر به طور بسیار چشمگیری بیشتر از ضمایر مؤنث در کتاب‌های درسی زبان انگلیسی و کتاب‌های زبان عربی مشاهده می‌شوند. با این همه، در مقایسه، غلبه ضمایر مذکر بر ضمایر

۱. این ضمایر به تفکیک جنس و زبان انگلیسی و زبان عربی در زیر جدول ۲ ذکر شده‌اند.

مؤنث، در کتاب‌های زبان عربی بارزتر است تا در کتاب‌های زبان انگلیسی. در واقع، تنها یک پنجم ضمایر در کتاب‌های زبان عربی را ضمایر مؤنث تشکیل می‌دهند و بخش اعظم باقیمانده (یعنی ۸۰ درصد) به ضمایر مذکر اختصاص دارد، ولی در کتاب‌های زبان انگلیسی این نسبت‌ها تاحدودی به طور متعادل‌تری توزیع شده است به طوری که ضمایر مؤنث نزدیک به یک سوم کل ضمایر در این کتاب‌ها را دربر می‌گیرند. این در حالی است که تعداد فراوانی و دفعات تکرار ضمایر (اعم از ضمایر مذکر و مؤنث) در کتاب‌های زبان انگلیسی بیش از دو برابر آن در کتاب‌های زبان عربی است (به ترتیب، ۱۷۳۳ بار و ۷۵۴ بار). بنابراین، در کتاب‌های زبان انگلیسی به رغم برخورداری از پتانسیل بیشتر برای انعکاس سوگیری جنسیتی در این زمینه، از ضمایر مذکر و مؤنث به طور متعادل‌تری نسبت به کتاب‌های زبان عربی استفاده شده است. در هر حال، باید توجه داشت که غلبه ضمایر مذکر در کتاب‌های زبان انگلیسی نیز بارز است زیرا در حدود ۷۰ درصد ضمایر در این کتاب‌ها، ضمایر مذکر هستند. دوم آن که، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارتباطی معنادار بین دوره تحصیلی و چگونگی بازنمایی ضمایر جنسیتی وجود دارد. بدین معنا که به موازات افزایش دوره تحصیلی، غلبه ضمایر مذکر بر ضمایر مؤنث به طور بارزتری در این کتاب‌های زبان انعکاس می‌یابد. بالتبع، شکاف جنسیتی در استفاده از ضمایر که در دوره تحصیلی راهنمایی بالنسبه کمتر و خفیف‌تر است، در دوره تحصیلی دبیرستان بیشتر و شدیدتر می‌شود. به طور کلی، این الگو هم در کتاب‌های زبان انگلیسی و هم در کتاب‌های زبان عربی مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، در کتاب‌های زبان عربی، ضمایر مذکر و مؤنث با اختلاف بالنسبه اندکی در دوره راهنمایی توزیع شده‌اند (حدود ۵۵ درصد ضمایر مذکر و ۴۵ درصد ضمایر مؤنث)، در حالیکه این تفاوت در دوره دبیرستان به مراتب بیشتر است به طوری که حتی کمتر از یک پنجم ضمایر در این کتاب‌ها، ضمایر مؤنث و نزدیک به ۸۵ درصد باقیمانده ضمایر مذکر هستند. در کتاب‌های زبان انگلیسی نیز این روند صعودی شکاف جنسیتی در استفاده از ضمایر وجود دارد: در حالی که در دوره راهنمایی اختلاف بالنسبه کمتری بین ضمایر مذکر و مؤنث در این کتاب‌ها (به ترتیب ۶۰ و ۴۰ درصد) مشاهده می‌شود، این اختلاف در دوره دبیرستان شدت می‌گیرد زیرا در حدود ۷۵ درصد ضمایر در این کتاب‌های دبیرستانی، ضمایر مذکر و تنها ۲۵ درصد آن‌ها ضمایر مؤنث هستند (جدول ۲).



جدول ۲: توزیع نسبی اسامی افراد و ضمایر بر حسب جنسیت و به تفکیک کتاب‌های زبان و دوره‌های تحصیلی

کتاب‌های درسی و دوره تحصیلی	اسامی بر حسب جنسیت			ضمایر بر حسب جنسیت		
	مردان	زنان	جمع‌فراوانی	کل	مذکر	مؤنث
زبان فارسی	۹۰/۳	۹/۷	۵۰۴۳	-	-	-
دوره ابتدایی	۷۵/۶	۲۴/۴	۴۶۵	-	-	-
دوره راهنمایی	۸۶/۲	۱۳/۸	۲۷۵	-	-	-
دوره دبیرستان	۹۲/۲	۷/۸	۴۳۰۳	-	-	-
زبان عربی	۸۲/۰	۱۸/۰	۴۹۴	۱۰۰/۰	۸۰/۱	۱۹/۹
دوره راهنمایی	۶۸/۹	۳۱/۱	۱۰۳	۱۰۰/۰	۵۵/۴	۴۴/۶
دوره دبیرستان	۸۵/۴	۱۴/۶	۳۹۱	۱۰۰/۰	۸۳/۲	۱۶/۸
زبان انگلیسی	۷۶/۴	۲۳/۶	۶۴۴	۱۰۰/۰	۶۹/۶	۳۰/۴
دوره راهنمایی	۶۵/۲	۳۴/۸	۲۲۷	۱۰۰/۰	۵۹/۸	۴۰/۲
دوره دبیرستان	۸۲/۵	۱۷/۵	۴۱۷	۱۰۰/۰	۷۶/۰	۲۴/۰
جمع کل	۸۸/۱	۱۱/۹	۶۱۸۱	۱۰۰/۰	۷۲/۸	۲۷/۲

\* ضمایر مذکر: (He, Him, His) در زبان انگلیسی و (هو، ه) در زبان عربی.

\*\* ضمایر مؤنث: (She, Her, Hers) در زبان انگلیسی و (هی،ها) در زبان عربی..

\*\*\* ضمایر تنها در مواردی محاسبه و شمارش شده‌اند که مرجع ضمیر به انسان بر می‌گردد.

#### ۴. کلمه‌ها و واژه‌های جنسیتی

در این پژوهش، کلمه‌ها و واژه‌های جنسیتی به دو گروه عمده تقسیم و مطالعه شدند: یکی، کلمه‌ها و واژه‌های مؤنث (شامل مادر، زن، خانم، دختر، مادر بزرگ، سایر)، و دیگری،

کلمه‌ها و واژه‌های مذکر (از قبیل پدر، مرد، آقا، پسر، پدربزرگ، سایر)<sup>۱</sup>. نتایج این پژوهش (جدول ۳) نشان داد که به طور کلی، کلمه‌ها و واژه‌های مذکر در تمامی کتاب‌های زبان فارسی، زبان انگلیسی و زبان عربی، به طور چشمگیری بیش از کلمه‌ها و واژه‌های مؤنث است. در مقایسه، بالاترین میزان این غلبه جنسیتی در کتاب‌های زبان عربی مشاهده می‌شود. در واقع، از مجموع ۶۶۰ بار که این واژه‌های جنسیتی در کتاب‌های زبان عربی استفاده و تکرار شده‌اند، ۵۱۱ مورد آن (یعنی، ۷۷ درصد) مربوط به واژه‌های مذکر و تنها ۱۴۹ مورد آن (یعنی، ۲۳ درصد) مربوط به واژه‌های مؤنث است. در عین حال، این غلبه جنسیتی در کتاب‌های زبان فارسی و زبان انگلیسی نیز چشمگیر است. در واقع، به ترتیب، از مجموع ۳۱۵۵ بار و ۸۰۵ بار که کلمه‌ها و واژه‌های جنسیتی در کتاب‌های زبان فارسی و زبان انگلیسی استفاده و تکرار شده‌اند، در حدود سه چهارم این واژه‌ها در هر یک از این کتاب‌ها را واژه‌های مذکر دربر می‌گیرند. تجزیه و تحلیل‌های تفصیلی در این پژوهش (جدول ۳)، نکته‌های دیگری را روشن می‌کند که برخی از مهمترین آن‌ها عبارتند از: (۱) در مجموع، تعداد فراوانی هریک از کلمه‌ها و واژه‌های مؤنث نسبت به کلمه مربوطه در مجموعه واژه‌های مذکر (مانند مادر- پدر، زن - مرد، دختر - پسر، خانم - آقا، و غیره) به مراتب کمتر است. این الگو در تمامی کتاب‌های زبان فارسی، زبان انگلیسی و زبان عربی صادق است. تنها مورد استثناء در این خصوص، کلمه‌های «پدر بزرگ و مادر بزرگ» است که در کتاب‌های زبان فارسی و زبان انگلیسی، کلمه «مادر بزرگ» نسبت به کلمه «پدر بزرگ» به دفعات بیشتری تکرار شده است.

(۲) شدیدترین شکاف جنسیتی در زمینه استفاده و تکرار کلمه‌ها و واژه‌های مذکر و مؤنث مرتبط با همدیگر را می‌توان در واژه‌های «مرد - زن» یافت. جالب آنکه این الگوی کلی، در تمامی کتاب‌های زبان فارسی، زبان انگلیسی و زبان عربی وجود دارد. اگرچه، این الگو به طور بارزتری در کتاب‌های زبان عربی به چشم می‌خورد به طوری که معادل‌های عربی واژه‌های «مرد» و «زن» به ترتیب به میزان ۹۳٪ و تنها ۷٪ (یعنی، به تعداد ۲۸۴ بار و ۲۳ بار) در این کتاب‌ها تکرار شده است. در کتاب‌های زبان فارسی، واژه‌های «مرد» و «زن» به ترتیب به میزان ۶۷٪ و ۳۳٪ (یعنی، به تعداد ۴۲۳ بار و ۲۰۹ بار)، و معادل‌های انگلیسی آن‌ها در کتاب‌های

۱. معادل‌های انگلیسی و عربی این کلمه‌ها و واژه‌ها که در این تحقیق مبنای قرار گرفته‌اند، در زیر جدول ۳ ذکر شده‌اند.



زبان انگلیسی به ترتیب به میزان ۸۰٪ و ۲۰٪ (یعنی، به تعداد ۱۶۶ بار و ۳۹ بار)، استفاده و تکرار شده است. (۳) از سوی دیگر، کمترین (خفیف ترین) میزان شکاف جنسیتی در استفاده و تکرار واژه‌های مذکر و مؤنث در کلیه کتاب‌های زبان فارسی، زبان انگلیسی و زبان عربی، در دو واژه «مادر - پدر» مشاهده می‌شود. مطابق نتایج این پژوهش، از مجموع تعداد دفعات استفاده و تکرار این دو واژه در هر یک از این کتاب‌ها، تقریباً در ۵۵ درصد موارد، کلمه «پدر» و در ۴۵ درصد باقیمانده آن نیز کلمه «مادر» استفاده و تکرار شده است. در حالی که، شکاف جنسیتی در سایر واژه‌های مرتبط به هم برای دو جنس مذکر و مؤنث (مانند دختر - پسر، زن - مرد، خانم - آقا، و غیره) به مراتب شدیدتر است. این الگو در کتاب‌های زبان فارسی بیشتر تأمل پذیرتر به نظر می‌رسد زیرا مجموع تعداد دفعات استفاده و تکرار دو واژه «مادر - پدر» در کتاب‌های زبان فارسی (یعنی، ۱۰۲۷ بار)، به طور کاملاً بی سابقه‌ای، بیشتر از هر واژه جنسیتی دیگر در این کتاب‌ها و در کتاب‌های زبان انگلیسی و زبان عربی است. این دو واژه «مادر - پدر» مجموعاً به تعداد ۱۴۸ بار در کتاب‌های زبان عربی، و به تعداد ۱۴۷ بار در کتاب‌های زبان انگلیسی، استفاده و تکرار شده است. با این همه، در کتاب‌های زبان فارسی نیز به همان اندازه کتاب‌های زبان انگلیسی و زبان عربی، شکاف جنسیتی در میزان استفاده از دو واژه «مادر - پدر» در پایین ترین سطح است. این امر ناشی از فراوانی بالنسبه زیاد واژه «مادر» در این کتاب‌ها به ویژه در کتاب‌های زبان فارسی است که به خوبی نشان دهنده ارزش والای مقام مادری در فرهنگ جامعه ایرانی است که به روشنی در این کتاب‌های درسی نیز بازنمایی شده است.<sup>۱</sup>

۱. به نظر می‌رسد که این نتایج، شباهت فراوان با الگویی دارد که در فرهنگ غیر نوشتاری و کلامی ایران مشاهده شده است. زیرا، نتایج یک پژوهش دیگر نشان داده است که در فرهنگ عامه و ضرب المثل‌های ایرانی، نوزاد پسر بر نوزاد دختر ترجیح داده می‌شود، ویژگی‌های منفی مانند گله‌گری، رازدار نبودن، ناقص العقل بودن، بیشتر به زنان نسبت داده می‌شود. با این همه، «دختر» و «زن» زمانی که فرآیندهای ازدواج و فرزند زایی را طی کرده و در چارچوب خانواده، هویت جدیدی را به عنوان «مادر» احراز می‌کنند، آنگاه تصویر به مراتب بهتر و مثبت‌تری از آنها در فرهنگ عامه و ضرب المثل‌های ایرانی ارائه می‌شود (فروتن ۱۳۷۹، ۱۳۸۸).

جدول ۳: توزیع فراوانی کلمه‌ها و واژه‌های کلیدی مرتبط با جنس مذکر و مؤنث به تفکیک کتاب‌های زبان و دوره‌های تحصیلی

کتاب‌های درسی	واژه‌های مؤنث						واژه‌های مذکر							
	کل	پدر	مرد	آقا	پسر	پدر بزرگ	کل	مادر	زن	خانم	دختر	مادر بزرگ	سایر**	
زبان فارسی	۲۰۱۲	۵۷۹	۴۲۳	۲۳۳	۳۰۶	۸۵	۳۸۶	۱۱۴۳	۴۴۸	۲۰۹	۸۳	۱۴۳	۱۰۸	۱۵۲
درصد	۱۰۰/۰	۲۸/۸	۲۱/۰	۱۱/۶	۱۵/۳	۴/۳	۱۹/۲	۱۰۰/۰	۳۹/۲	۱۸/۳	۱/۳	۱۲/۵	۹/۴	۱۳/۳
دوره ابتدایی	۶۲۴	۲۱۹	۱۲۵	۳۷	۷۵	۶۳	۹۵	۵۱۷	۲۳۲	۳۶	۲۷	۵۹	۶۳	۱۰۰
دوره راهنمایی	۳۳۹	۸۹	۵۸	۵۳	۷۳	۴	۶۲	۱۲۸	۵۶	۹	۹	۱۰	۳۳	۱۱
دوره دبیرستان	۱۰۴۹	۲۶۱	۲۴۰	۱۴۳	۱۵۸	۱۸	۲۲۹	۴۹۸	۱۶۰	۱۶۴	۲۷	۷۴	۱۲	۴۱
زبان عربی	۵۱۱	۸۳	۲۸۴	۳۳	۳۴	۱۲	۶۵	۱۹۹	۶۵	۲۳	۷	۲۷	۳	۲۴
درصد	۱۰۰/۰	۱۶/۲	۵۵/۶	۶/۵	۶/۷	۲/۳	۱۲/۷	۱۰۰/۰	۳۳/۶	۱۵/۴	۴/۷	۱۸/۱	۲/۱	۱۶/۱
دوره راهنمایی	۹۶	۱۳	۴۸	۲۶	۳	۰	۶	۵۰	۲۵	۷	۲	۸	۰	۸
دوره دبیرستان	۴۱۵	۷۰	۲۳۶	۷	۳۱	۱۲	۵۹	۹۹	۴۰	۱۶	۵	۱۹	۳	۱۶
زبان انگلیسی	۵۲۰	۸۰	۱۶۶	۸۱	۱۰۰	۸	۸۵	۲۸۵	۶۷	۳۹	۳۴	۶۱	۱۲	۷۲
درصد	۱۰۰/۰	۱۵/۴	۳۱/۹	۱۵/۶	۱۹/۲	۱/۶	۱۶/۹	۱۰۰/۰	۲۳/۷	۱۳/۷	۱۲/۹	۲۱/۴	۵/۲	۲۳/۱
دوره راهنمایی	۱۵۸	۳۷	۱۰	۴۶	۲۶	۶	۳۳	۱۲۹	۳۶	۱۰	۲۷	۲۲	۰	۳۴
دوره دبیرستان	۳۶۲	۴۳	۱۵۶	۳۵	۷۴	۲	۵۲	۱۵۶	۳۱	۲۹	۷	۳۹	۱۲	۳۸
جمع کل	۳۰۴۳	۷۴۲	۸۱۳	۳۴۷	۴۴۰	۱۰۵	۵۳۶	۱۵۷۷	۵۱۰	۲۷۱	۱۲۴	۳۳۱	۱۳۳	۲۴۸

\* شامل کلمه‌ها و واژه‌های: شوهر، مذکر، پیرمرد، برادر، برادر زاده، دایی، عمو، پسرعمو، پسردایی، پسر عمه، پسرخاله، شوهر خاله، شوهر عمه.  
 \*\* شامل کلمه‌ها و واژه‌های: مؤنث، پیرزن، خواهر، خواهرزاده، خاله، عمه، دخترعمو، دختردایی، دخترعمه، دخترخاله، زن عمو، زن دایی.  
 \*\*\* معادل‌های عربی واژه‌ها و کلمه‌های جنسیتی عبارتند از: مادر (ام، والده)، زن (نساء، امرأة)، خانم (سیده)، دختر (بنت)، مادر بزرگ (جده)، پدر (اب، والد)، مرد (رجل)، آقا (سید)، پسر (ابن)، پدر بزرگ (جد).  
 \*\*\*\* معادل‌های انگلیسی واژه‌ها و کلمه‌های جنسیتی عبارتند از: مادر (Mother/Mum)، زن (Woman)، خانم (Lady/Ms/Mrs./Miss)، دختر (Girl/Daughter)، مادر بزرگ (Grandmother)، پدر (Father/Dad)، مرد (Man)، آقا (Sir/Mr./Gentleman)، پسر (Boy/Son)، پدر بزرگ (Grandfather).



## بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع، در این پژوهش، «پدیدهٔ تقدم مرد» یا «پدیدهٔ اول، مرد» (لی و کولینز، ۲۰۰۸) به وضوح نشان داده شده است. این تقدم و سوگیری جنسیتی به اشکال متعدد در این پژوهش مشاهده و شناسایی شده است. دوم آنکه، الگوهای ناظر بر تفوق و تقدم جنس مذکر بر جنس مؤنث، کمابیش در تمامی کتاب‌های زبان فارسی، زبان عربی و زبان انگلیسی در این پژوهش مشاهده شده است. به عبارت دیگر، به رغم استفاده از زبان‌های مختلف، الگوها و «کدهای جنسیتی» (تایلور، ۲۰۰۳) کمابیش یکسانی در این کتاب‌های درسی انتقال و بازتاب یافته است. باید در نظر داشت که اگرچه این کتاب‌های درسی به زبان‌های مختلف هستند، اما همچنان در چارچوب یک محیط اجتماعی و فضای فرهنگی معین (یعنی، جامعه ایران) به رشته تحریر در آمده‌اند. بدین ترتیب، می‌توان دریافت که محیط اجتماعی و فضای فرهنگی نقش بسیار عمیق‌تری در چگونگی انتقال و بازنمایی هویت و نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی دارد. سوم آنکه، در این پژوهش، همبستگی معناداری بین «پدیدهٔ تقدم مرد» و دورهٔ تحصیلی وجود دارد. بدین معنا که، «پدیدهٔ تقدم مرد» در دوره‌های تحصیلی بالاتر، بارزتر می‌شود و به افزایش شکاف جنسیتی نیز منجر می‌شود. این الگو کمابیش بر کلیهٔ کتاب‌های زبان فارسی، زبان عربی و زبان انگلیسی صدق می‌کند. چهارم آن که، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان شدت برتری و سوگیری جنسیتی به طور معناداری تابعی از تعداد کل فراوانی‌های مربوطه (مثلاً، تعداد کل اسامی، تصاویر، واژه‌های جنسیتی) در کتاب‌های زبان فارسی، زبان عربی و زبان انگلیسی است. بدین معنا که، هر چه تعداد کل این فراوانی‌ها افزایش می‌یابد، پتانسیل بیشتری نیز برای بروز شکاف جنسیتی فراهم می‌شود، و نهایتاً در عمل نیز حضور و غلبهٔ جنس مذکر بر جنس مؤنث به طور چشمگیرتری در این کتاب‌ها انعکاس پیدا می‌کند. در حالی که، یک احتمال دیگر در افزایش این فراوانی‌های کل می‌توانست این باشد که میزان استفاده هر چه بیشتر از اسامی و تصاویر و واژه‌های جنسیتی، به طور کمابیش متعادل و بالنسبه مساوی در میان دو جنس مذکر و مؤنث توزیع شود و به کاهش نسبی شکاف جنسیتی در این زمینه منجر شود. گفتنی است که معمولاً این فراوانی‌های کل در کتاب‌های زبان فارسی به مراتب بیش از دو مجموعه کتاب‌های دیگر (به ویژه، کتاب‌های زبان انگلیسی) است. بنابراین، می‌توان استنباط کرد که بیان کردن و به تصویر کشیدن بالنسبه متعادل‌تر الگوهای جنسیتی در کتاب‌های

زبان انگلیسی تا حدودی ناشی از این واقعیت است که معمولاً تعداد کل فراوانی‌های مربوطه در این کتاب‌ها کمتر است؛ در نتیجه، این کتاب‌ها به طور نسبی از پتانسیل کمتری نیز برای بروز شکاف‌های جنسیتی برخوردار هستند.

بالاخره، می‌توان به نتیجه‌گیری نهایی در این پژوهش اشاره کرد. مطابق نتایج این پژوهش، پدیدهٔ تقدم مرد و سوگیری‌های جنسیتی معمولاً به طور کم‌رنگ‌تر و خفیف‌تری در متن و تصاویر کتاب‌های زبان فارسی دورهٔ ابتدایی بازنمایی می‌شوند. جالب آنکه، حتی در مواردی که موضوع‌ها در این کتاب‌ها بیشتر جنبه عاطفی پیدا می‌کند، حتی به طور کم سابقه‌ای واژه مؤنث از واژه مذکر پیشی می‌گیرد (مثلاً کلمه «مادر» تا حدودی بیش از کلمه «پدر» در این کتاب‌ها استفاده و تکرار شده است)، اما سوگیری‌های جنسیتی رفته رفته به طور بارزتری در متن و تصاویر کتاب‌های زبان فارسی دوره‌های تحصیلی بالاتر هویدا می‌شود به طوری که پدیدهٔ تقدم جنس مذکر حتی در عاطفی‌ترین موضوع‌های جنسیتی نیز به طور چشمگیرتری متبلور می‌شود. این الگو به میزان جالب توجهی در کتاب‌های زبان انگلیسی نیز مشاهده می‌شود. بدین معنا که همانند کتاب‌های زبان فارسی دورهٔ ابتدایی، الگوهای بالنسبه متعادل‌تر و ملایم‌تری از شکاف‌های جنسیتی در کتاب‌های زبان انگلیسی دورهٔ راهنمایی به تصویر کشیده می‌شود، اما پدیدهٔ تقدم جنس مذکر معمولاً به طور بارزتری در کتاب‌های زبان انگلیسی دورهٔ دبیرستان منعکس می‌شود. این الگو که تاکنون برای کتاب‌های زبان فارسی و زبان انگلیسی ذکر شد، کمابیش بر کتاب‌های زبان عربی نیز صدق می‌کند. بدین معنا که، در این کتاب‌ها نیز در اغلب موارد، شکاف‌های جنسیتی در دورهٔ راهنمایی نسبت به دورهٔ دبیرستان تا حدودی به طور کم رنگ‌تری انعکاس می‌یابد. گفتنی است که به رغم این واقعیت که مخاطبان اصلی «کتاب‌های زبان فارسی دورهٔ ابتدایی» و «کتاب‌های زبان انگلیسی و زبان عربی دورهٔ راهنمایی» را دانش‌آموزانی تشکیل می‌دهند که در دو گروه سنی متفاوت قرار دارند، با این همه یک ویژگی مشترک نیز در این دو مجموعه کتاب‌ها وجود دارد. این ویژگی مشترک نیز این است که هر یک از این دو مجموعه کتاب‌ها، نقطه شروع و مرحله اول آموزش رسمی زبان‌های جدید است. در یکی به دانش‌آموزان خردسال برای اولین بار الفبا و قواعد اولیه زبان فارسی آموزش داده می‌شود. در دیگری الفبا و اصول مقدماتی زبان انگلیسی و زبان عربی به دانش‌آموزان نوجوان برای اولین بار آموزش داده می‌شود. بدین ترتیب، در این مرحله آغازین





آموزش زبان، تلاش می‌شود تا در بیان و به تصویر کشیدن موضوعاتی که صبغه جنسیتی دارند، دقت و احتیاط بیشتری شود و در نتیجه تفاوت‌های جنسیتی در این مرحله اولیه آموزش زبان (اعم از زبان فارسی، زبان انگلیسی و زبان عربی) معمولاً به طور خفیف‌تر و ملایم‌تری در کتاب‌های درسی مربوطه انعکاس می‌یابد. در حالیکه، این الگوهای جنسیتی بالنسبه متعادل در مرحله اولیه آموزش زبان فارسی (در کتاب‌های زبان فارسی دوره ابتدایی) و آموزش زبان‌های انگلیسی و عربی (در کتاب‌های زبان انگلیسی و زبان عربی دوره راهنمایی)، در دوره‌های تحصیلی بالاتر رفته رفته کمرنگ می‌شود. به نظر می‌رسد که این امر به میزان معتناهی ناشی از این واقعیت است که در نخستین مرحله آموزش این زبان‌ها، دقت و احتیاط بیشتری به عمل می‌آید تا موضوع‌های جنسیتی مطابق «الگوهای آرمانی» در کتاب‌ها انعکاس پیدا کند، اما پس از اتمام نخستین مرحله آموزش این زبان‌ها، این دقت و احتیاط نیز کاهش می‌یابد و در عوض، در امتداد واقعیت‌های متداول در جامعه و متناسب با «الگوهای واقعی»، موضوع‌های جنسیتی نیز در این کتاب‌ها در دوره‌های تحصیلی بالاتر بازنمایی می‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، عنصری که نقش تعیین‌کننده‌تری در هر یک از کتاب‌های درسی زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی ایفا می‌کند، «مراحل متعدد آموزش و فراگیری هر یک از این زبان‌ها» است. به طور خلاصه، یافته‌های این پژوهش نشان داده است که الگوهای کاملاً متفاوت و ناموزون در خصوص بازنمایی مقوله‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی (به ویژه، در مراحل متعدد آموزش و فراگیری هر یک از این زبان‌ها) وجود دارد که می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر فرآیند مناسب شکل‌گیری هویت جنسیتی دانش‌آموزان داشته باشد. بدین ترتیب، ضرورت بازنگری در این متون آموزشی توصیه می‌شود که ناشی از نقش بی‌ظیر تمامی این کتاب‌های درسی (اعم از زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی) در فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی است.

## منابع

- افشانی، سید علیرضا و همکاران، (۱۳۸۸). بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۱: ۸۷-۱۰۷.
- رضوی، آمنه و پروانه نظرعلی، (۱۳۸۵). تحلیل محتوای کتاب تربیت بدنی (۱) اول دبستان آموزش و پرورش ۱۳۷۹، پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۱: ۱۵-۲۸.
- شیخاوندی، داور، (۱۳۸۵). بازتاب هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۸۷: ۹۳-۱۲۰.
- صداقت، سعید و زهرا زاهد، (۱۳۷۴). نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، مجله فرزانه، دوره دوم، شماره ۵.
- فروتن، یعقوب، (۱۳۸۹). جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره هشتم، شماره ۳: ۱۹۵-۲۱۶.
- فروتن، یعقوب، (۱۳۸۸). زمینه‌های فرهنگی تحولات جمعیت‌شناختی: با اشاراتی به انتقال باروری در ایران، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره پیاپی ۱۴: ۹۱-۱۱۰.
- فروتن، یعقوب، (۱۳۸۷). رهیافتی جمعیت‌شناختی به اشتغال زنان: با ملاحظاتی بر وضعیت ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سوم، شماره ۶: ۱۷۱-۱۹۳.
- فروتن، یعقوب، (۱۳۷۹). ملاحظات جمعیتی در فرهنگ عامه ایران، فصلنامه جمعیت. سال هشتم، شماره ۳۲ - ۳۱: ۴۶-۶۹.
- هاشمی، سهیلا و مهرناز شهرآرای، (۱۳۸۷). بررسی باورها و ارزش‌های دانش آموزان، خانواده، و کتاب‌های درسی درباره تساوی جنسیت، مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۲: ۲۷-۴۶.
- یعقوبی، پریسا، (۱۳۷۶). تصویر زنان در تغییرات اجتماعی: بررسی کتاب‌های فارسی سال اول دبستان، مجموعه مقالات زن و توسعه فرهنگی، تهران، دانشگاه الزهراء (س)، چاپ اول.



- Arbuthnot, M. H.(1984). *Children and Books*, Chicago, IL: Scott Foresman & Company.
- Berg, B. L.(2001). *Qualitative research method for the social sciences*, Boston, MA: Allyn&Bacon.
- Clopper, C& et al ,(2005). Effects of talker gender on dialect categorization. *Journal of Language and Social Psychology*: 24(2):182-206.
- Dennison, C,(2006). *The effect of gender stereotype on attitudes towards speakers*, Faculty of Arts and Sciences, University of Pittsburgh.
- Foroutan, Y,(2009). Migration and Gender Roles: The Typical Work Pattern of the MENA Women, *International Migration Review*, 43 (4): 974-992.
- Foroutan. Y,(2009). Gender and religion: The status of women in the Muslim world, In P. Clarke and P. Beyer (Eds. ), *The World's Religions: Continuities and Transformations*, London: Routledge Publication, pp. 225-238.
- Foroutan. Y,(2008). Women's employment, religion and multiculturalism: socio-demographic Emphasis, *Journal of Population Research*, 25 (1): 163-190.
- Higgins, P. H& Shoar-Ghafari P,(1991). Sex-role socialization in Iranian textbooks, *NWSA Journal*, 3(2):213-232.
- Hellinger, M,(1980). For men must work and women must weep': sexism in English language textbooks used in German Schools. *Women's Studies International Quarterly*, 3: 267-275.
- Holmes, J& Meredith M,(2010). *Femininity, Feminism and Gendered Discourse*. Newcastle-upon-Tyne: Cambridge Scholars.
- Labov, W,(1972). *Language in the Inner City*. Oxford: Basil Blackwell.
- Lakoff, Robin,(1975). *Language and Woman's Place*. New York: Harper & Row.
- Lee, J. F. K& Collins P,(2008). Gender voices in Hong Kong English textbooks - Some past and current practices, *Sex Roles*, 59: 127-137.
- Lee, J. F. K& Collins P,(2009). Australian English-language textbooks: the gender issues, *Gender and Culture*, 21 (4): 353-370.
- Pauwels, A. (2003). Linguistic sexism and feminist linguistic activism, In Holmes, J and Meyerhoff, M. (eds): *The Handbooks of Language and Gender*, pp. 550-570, Malden, MA: Blackwell.
- Porreca, K. L,(1984). Sexism in current ESC textbooks, *TESOL Quarterly*, 18: 705-724.
- Strand, E,(1999). Uncovering the role of gender stereotypes in speech perception. *Journal of Language and Social Psychology*, 18: 86-99.
- Taylor, F,(2003). Content analysis and gender stereotypes in children's books, *Teaching Sociology*, 31:300-311.

Turner-Bowker, D. M., (1996). Gender stereotyped descriptors in children's picture books: Does curious Jane exist in the literature? *Sex Roles*, 35, 461-488.

Wright, B., (2002). *Gender and Language: Challenging the Stereotypes*, United Kingdom: Center for English Language Studies, University of Birmingham.



نویسندگان

دکتر یعقوب فروتن

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران (بابلسر)  
y\_foroutan@yahoo.com & y. foroutan@umz. ac. ir

دانش آموخته دوره دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه ملی استرالیا\*  
مقالات متعددی از او در حوزه جمعیت‌شناسی اجتماعی و موضوع‌های مرتبط با جنسیت از قبیل اشتغال زنان با تأکید بر نقش عواملی مانند فرهنگ، دین، قومیت و مهاجرت در نشریه‌های علمی ایران و مجلات تخصصی بین‌المللی چاپ شده است. او نویسنده یک فصل تحت عنوان جنسیت و دین: وضعیت زنان در جهان/اسلام در کتاب «ادیان جهان: تداوم و تغییرات» (روتلیج، ۲۰۰۹) و مترجم کتاب «جامعه و جمعیت: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی جمعیت» (انتشارات دانشگاه مازندران، ۱۳۸۰) نیز است.

\* The Australian National University, Canberra, Australia